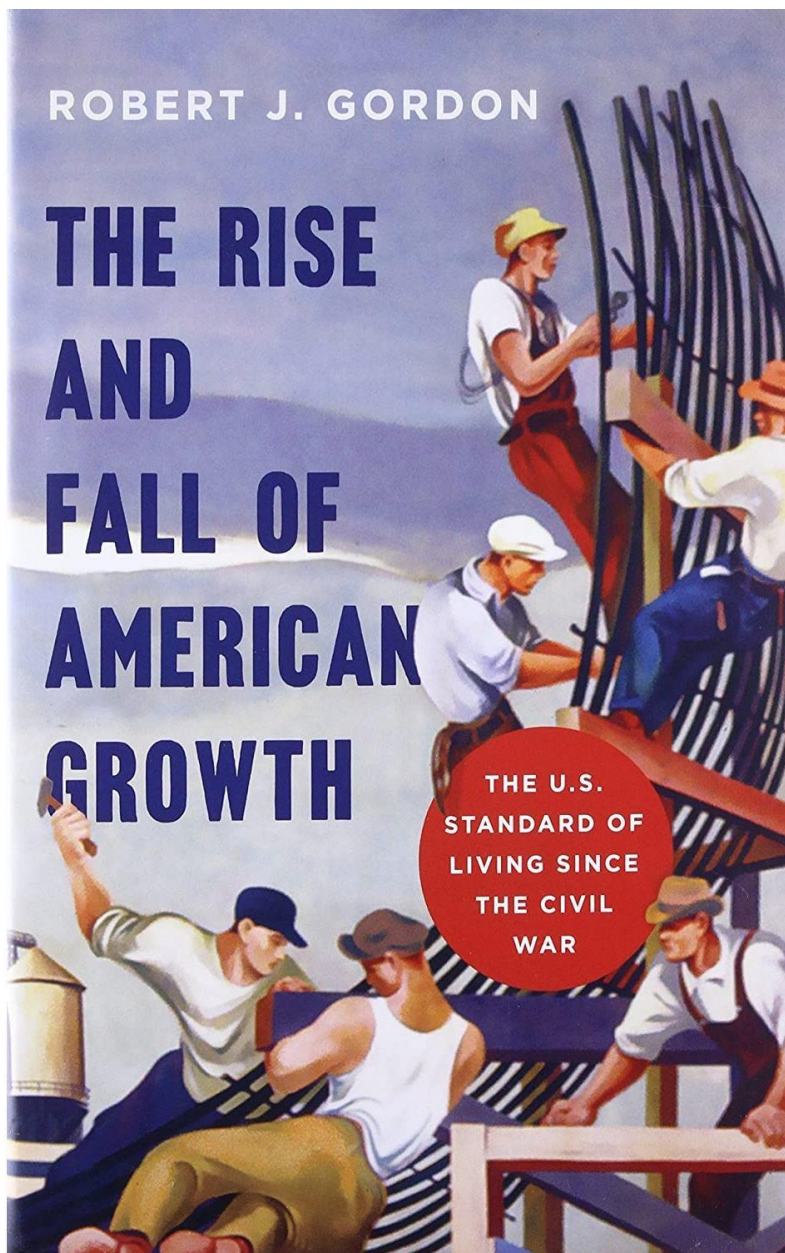


خلاصه کتاب ظهور و سقوط رشد اقتصاد آمریکا



کتاب **ظهور و سقوط رشد اقتصاد آمریکا** ([The Rise and Fall of American Growth](#)) کتابی است غیرداستانی که توسط رابرت جی گوردون (Robert J. Gordon)، استاد آمریکایی اقتصاد در دانشگاه نورث وسترن به رشته تحریر درآمده است. در اوایل قرن بیست و یکم، سرعت نوآوری ایالات متحده در ارتباطات، سرگرمی و فناوری اطلاعات همچنان پرشتاب است. با این حال، تولید اقتصادی به ازای هر نفر با افزایش سن آمریکایی‌ها رو به کاهش است و نابرابری در درآمد، محدودیت‌های آموزشی و بدهی‌های دولت آمریکا، اقتصاد را دچار مشکل کرده است. نرخ‌های آهسته رشد فعلی در بهره‌وری نیروی کار و بازده اقتصادی ایالات متحده را نمی‌توان با پیشرفت‌های سریعی که این کشور از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۷۰ از آن برخوردار بود، مقایسه کرد. پروفیسور گوردون، این

"قرن خاص" را به شکل زیر توصیف می‌کند؛ زمانی که لامپ الکتریکی، موتور احتراق داخلی، لوله کشی داخلی و تلفن تقریباً همه جنبه‌های زندگی روزمره را با کیفیت و جزئیات عالی تغییر دادند، با اینحال او تصمیم دارد برخی سیاست‌ها را برای بهبود رشد اقتصادی امروز ارائه دهد.

آنچه می‌خوانید خلاصه‌ای از این کتاب است که با تلاش تیم تولید محتوای UtoFX، به رایگان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

نکات مهم:

- تولید سرانه ایالات متحده در بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۷۰، سریعتر از سال‌های بعد رشد کرد.
- امید به زندگی در آن دوره به سرعت افزایش یافت، اما از آن زمان به بعد کاهش یافته است.
- از نظر تولید ناخالص داخلی واقعی (GDP)، استاندارد زندگی در ایالات متحده از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۰، سه برابر شد.
- در آن قرن، لوله کشی مدرن خطر ابتلا به بیماری‌های کشنده ناشی از آب را کاهش داد.
- مراقبت‌های بهداشتی، از درمان بیماری‌های عفونی به بهبود بیماری‌های مزمن تغییر یافت.
- الکساندر گراهام بل، اولین بار در سال ۱۸۷۶ تلفن را به نمایش عمومی گذاشت.
- تا سال ۱۹۰۷، در خانه‌های ایالات متحده بیش از شش میلیون تلفن وجود داشت.
- قبل از سال ۱۹۴۰، پیشرفت در ارتباطات و امور سرگرمی، بیشتر از هر چیز دیگری بر زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم ایالات متحده تاثیر داشته است.
- سازمان مواد غذایی و دارویی ایالات متحده آمریکا (FDA)، از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ نسبت به سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۱، پنجاه درصد داروهای بیشتری تأیید کرده است.
- کارفرمایان امروزی در ایالات متحده، مشاغل بیشتری در بالا و پایین جدول دستمزد ایجاد می‌کنند، اما تعداد مشاغل در میانه این جدول کمتر است.
- موانع رشد اقتصادی آینده شامل نابرابری درآمدی، محدودیت‌های آموزشی، بدهی فدرال و تغییرات جمعیتی مانند پیر شدن جمعیت است.

یک قرن خاص

اختراعات و اکتشافات انقلابی در طول یک قرن از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۷۰، رشدی تکرار نشدنی مردم استاندارددهای زندگی در ایالات متحده ایجاد کرد که با تولید سرانه اقتصادی، اندازه‌گیری شد. از سال ۱۹۷۰، تولید سرانه با سرعت بسیار کمتری رشد کرده است.

تولید ناخالص داخلی (GDP) که منعکس کننده کل فعالیت اقتصادی است، راهنمای مناسبی برای نشان دادن تغییرات تاریخی استاندارد زندگی به شمار نمی‌رود. برای محاسبه «سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی»، باید تولید ناخالص داخلی تعدیل شده بر اساس تورم را بر جمعیت تقسیم کرد. اگرچه بسیاری از کشورهای سراسر جهان از این معیار استفاده می‌کنند، حتی سرانه تولید ناخالص

داخلی واقعی نیز، افزایش سطح زندگی مردم ایالات متحده را در ۱۰۰ سالی که به سال ۱۹۷۰ ختم شد، به درستی بیان نمی‌کند. محاسبه کمی تولید ناخالص داخلی، برخی از عواملی که در کیفیت زندگی شهروندان آمریکایی نقش دارند را حذف می‌کند. به عنوان مثال لامپ الکتریکی در سال ۱۸۷۹، جایگزین شمع‌ها و چراغ‌های نفتی در منازل آمریکا شد. تولید ناخالص داخلی نمی‌تواند تأثیرات لامپ الکتریکی مانند حذف دود و بو و کاهش خطر آتش‌سوزی را بر استانداردهای زندگی اندازه‌گیری کند.

خانه‌های شبکه‌ای

در سال ۱۸۷۰، بیشتر مردم در روستاها زندگی می‌کردند. آمریکایی‌ها بخش بزرگی از غذا و پوشاک خود را در خانه تولید می‌کردند. امید به زندگی ۴۵ سال بود. بیماری‌های با منشأ آب مانند وبا و حصه شایع بودند. در ادامه تعداد سیستم‌های آب و فاضلاب شهری در ایالات متحده از ۲۴۴ عدد در سال ۱۸۷۰ به ۹۸۵۰ عدد در سال ۱۹۲۴ رسید، اما حمام مدرن آمریکایی اساساً نسبت به سال ۱۹۴۰ بدون تغییر باقی مانده است.

انقلاب اقتصادی بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰، در تاریخ بشر منحصر به فرد و تکرار نشدنی بود؛ زیرا بسیاری از دستاوردهای آن فقط یک بار محقق می‌شوند.

کابل‌های برق و خطوط تلفن، به صورت آهسته ابتدا در شهرها و سپس به مزارع گسترش یافتند. این تغییر از خانه‌های ساده به خانه‌هایی با خطوط ارتباطی و ساختارهای شبکه‌بندی شده، استانداردهای زندگی در آمریکا را دگرگون کرد. به جز سیستم تهویه مطبوع، هیچ اختراعی پس از سال ۱۹۴۰ به اندازه خانه‌های با ساختارهای شبکه‌ای، تأثیر عمیقی بر زندگی روزمره مردم نداشته است. در واقع این یک دگرگونی تاریخی بود.

حمل و نقل بدون اسب

اولین راه آهن درون‌قاره‌ای، در سال ۱۸۶۹ شروع به کار کرد. در سال ۱۸۷۹، تنها ۱۰ هفته پس از اینکه توماس ادیسون آزمایش لامپ الکتریکی را در ایالات متحده به پایان رساند، مخترع آلمانی کارل بنز، اولین موتور احتراق داخلی را ساخت. از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۳۰، تراموای برقی اکثر مسافران حمل و نقل شهری در ایالات متحده را جابجا می‌کردند. کمتر از ۱۰ سال پس از معرفی تراموای برقی، سفر با اسب منسوخ شد.

رشد در آمریکا پس از سال ۱۹۲۰ کند شد؛ زیرا عناصر اصلی استاندارد زندگی مدرن تا آن زمان به وقوع پیوسته بود.

محبوبیت کاربرد خودروهای شخصی به دوره هنری فورد باز می‌گردد، چراکه کمپانی فورد در سال ۱۹۰۸، تولید مدل T را با استفاده از شیوه‌های نوآورانه تولید انبوه که قیمت‌ها را مقرون به صرفه نگه می‌داشت، آغاز کرد. تا سال ۱۹۳۰، ایالات متحده تقریباً به تعداد خانه‌های مسکونی، وسایل نقلیه موتوری داشت. در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، دولت فدرال بودجه ساخت سریع بزرگراه‌های دو بانده را در سراسر کشور تأمین کرد. پس از سال ۱۹۴۰، وسایل نقلیه موتوری باعث بروز مشکلاتی در جامعه شدند. هزینه‌کرد برای ساخت

بزرگراه نسبت به تولید ناخالص داخلی، پس از سال ۱۹۷۲ به نصف کاهش یافت. همچنین سرعت هواپیماهای تجاری از دهه ۱۹۶۰ بدون تغییر باقی مانده است.

تلفن، گرامافون و رادیو

الکساندر گراهام بل در سال ۱۸۷۶ تلفن را به جهانیان معرفی کرد. اختراع او بر اساس ایده‌ای بود که برای اولین بار در سال ۱۸۵۴ توسط فیلیپ ریس ارائه شد. در سال ۱۸۹۳، آمریکایی‌ها از ۲۵۰ هزار تلفن استفاده می‌کردند و تا سال ۱۹۰۷، خانه‌های ایالات متحده بیش از شش میلیون تلفن داشتند.

پس از سال ۱۸۷۷، زمانی که ادیسون گرامافون را اختراع کرد، دنیای تجهیزات صوتی گسترش یافت. دستگاه‌های ضبط صوت در ابتدا در دهه ۱۸۹۰ به مانند دستگاه‌های سکه‌ای خریدنوشابه در سالن‌ها، ظاهر شدند. گرامافون، موسیقی‌های حرفه‌ای تولید شده را در کنار یک اختراع همزمان، یعنی ساز پیانو وارد منازل کرد.

همانطور که برق و لوله‌کشی داخلی، خانه‌های آمریکا را همانند شبکه به هم متصل کرد، از سوی دیگر اینترنت، شبکه ارتباطی بین مردم آمریکا را ایجاد کرد.

بیش از ۸۰ درصد از خانوارهای ایالات متحده کمتر از ۲۰ سال پس از راه‌اندازی اولین ایستگاه رادیویی تجاری در سال ۱۹۲۰، در منزل خود رادیو داشتند. در طول دهه ۱۹۳۰، مردم ترجیح می‌دادند تا برای پرداخت کرایه‌های خود تلفن‌ها، وان‌های حمام، تخت‌خواب‌ها و یخچال‌های خود را بفروشند، اما رادیوها را حفظ می‌کردند. ظهور رادیو، گرامافون، فیلم‌های متحرک و تلفن قبل از سال ۱۹۴۰، مسلماً بیش از هر چیز دیگری از آن زمان بر زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم آمریکا تأثیر گذاشته است.

آمریکا سالم‌تر می‌شود

نرخ سالانه افزایش امید به زندگی در ایالات متحده در نیمه اول دهه ۱۹۰۰، دو برابر بیشتر از نیمه دوم بود. با کاهش شدید میزان مرگ‌ومیر نوزادان، امید به زندگی در بدو تولد طی ۵۰ سال منتهی به سال ۱۹۴۰، به سرعت افزایش یافت. امید به زندگی افراد ۶۰ ساله پس از سال ۱۹۴۰، با سرعت بیشتری بهبود یافت.

بیماری‌های عفونی عامل ۳۷ درصد از مرگ‌ومیرها در سال ۱۹۰۰ بودند، اما در سال ۱۹۴۰ تنها ۵ درصد آنها را شامل می‌شدند. سیستم‌های آب و فاضلاب، سلامت عمومی را ارتقا بخشیدند، چراکه لوله‌کشی مدرن، وظیفه سنگین حمل روزانه آب به داخل و خارج از خانه برای پخت‌وپز، تمیزکاری و حمام کردن را از بین برد. تحقیقات لویی پاستور، رابطه بین عوامل بیماری‌زا و تاثیرپذیری آنها از میکروب‌ها را به خوبی مشخص کرد. در دو دهه پایانی دهه ۱۸۰۰، محققان برخی از باکتری‌ها و حشرات را که عامل بسیاری از بیماری‌های عفونی کشنده بودند، شناسایی کردند. لازم به توضیح است که اختراع ضد عفونی کننده‌ها، میزان مرگ‌ومیر بیماران جراحی شده را کاهش داد.

سهم بسیار بزرگی از پیشرفت‌های پزشکی بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۵ اتفاق افتاد، در حالی که بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۴، توسعه کمتری در این بخش صورت گرفت.

در آن دوره صنعت مراقبت‌های بهداشتی از یافتن درمان برای بیماری‌های عفونی به مداوای بیماری‌های مزمن مانند سرطان و بیماری‌های قلبی روی آورده بود. با این حال، در میان کشورهای پیشروی توسعه یافته، ایالات متحده در ارائه خدمات مرتبط با مراقبت‌های بهداشتی، پایین‌ترین کارآمدی را دارد.

با کشف پنی‌سیلین و سایر آنتی‌بیوتیک‌ها، سازمان غذا و داروی ایالات متحده (FDA) طی دو دهه بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰، پنجاه درصد داروهای بیشتری را نسبت به پنج دهه بعدی تأیید کرد. در سال ۱۹۶۰، FDA قرص ضدبارداری را تأیید کرد که به زنان این امکان را می‌داد تا به راحتی به امور شغلی رسیدگی کرده و همچنین زمان مادر شدن خود را انتخاب کنند.

پرداخت دستمزد، شرایط کاری، اعتبار و امنیت

در آمریکا دستمزدهای واقعی تعدیل شده بر اساس تورم، از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۴۰ به سرعت رشد کرد. در سال ۱۸۹۰، اکثر ایالت‌های شمالی اشتغال کودکان را غیرقانونی دانسته و حضور در مدرسه را اجباری اعلام کرده بودند. ایالت‌های جنوبی هنوز قوانین مشابهی را وضع نکرده بودند و به دنبال بهره‌برداری از مزیت هزینه نیروی کار کمتر نسبت به شرکت‌های نساجی شمالی بودند.

پس از سال ۱۹۴۰ شرایط کار بهبود یافت، زیرا هفته کاری استاندارد از ۶۰ ساعت در سال ۱۹۰۰ به ۴۵ ساعت کاهش یافت. در دوره وودرو ویلسون (رئیس‌جمهور ایالات متحده از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۱)، قانون هشت ساعت کار در روز اجرا شد که تا سال ۱۹۲۰، به ساعت کاری معمول تبدیل شده بود.

از سال ۱۸۴۵، یعنی زمانی که خرده‌فروشان پیانو و ارگ شروع به پذیرش پرداخت‌های اقساطی از مشتریان خود کردند، تخصیص اعتبار، هزینه‌های مصرف‌کننده را افزایش داد. آمریکایی‌ها در سال ۱۹۲۴ از هر چهار خودروی خریداری شده، برای سه مورد از آنها پول قرض کرده بودند. همچنین دریافت وام مسکن بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰ آسان‌تر شد.

منابع رشد آهسته بهره‌وری، افزایش نابرابری و کاهش ساعات کاری به ازای هر نفر، بر دلایل بنیادی استوار است که جبران آنها دشوار خواهد بود.

بیمه غرامت اجباری کارگران، به آمریکایی‌های طبقه کارگر امنیت مالی بیشتری در صورت آسیب‌های ناشی از کار ارائه می‌داد. از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰، ۴۴ ایالت (از ۴۸ ایالت آن زمان) قوانین غرامت کارگران را وضع کرده بودند. آمریکایی‌های طبقه متوسط با ایجاد برنامه درآمد بازنشستگی تأمین اجتماعی و شرکت بیمه سپرده فدرال که دورنمای از بین رفتن پس‌انداز مردم به دلیل ورشکستگی بانک‌ها را تقریباً از بین می‌برد، بیشترین کاهش ریسک مالی شخصی را از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۰ تجربه کردند.

پیشرفت‌ها قبل از سال ۱۹۴۰

همانطور که بر اساس تولید ناخالص داخلی واقعی برای هر نفر (در قیمت‌های سال ۲۰۰۹) اندازه‌گیری شد، استانداردهای زندگی در ایالات متحده در طول ۷۰ سال (بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۰) بیش از سه برابر گردید، به طوری که شرایط انسانی آمریکایی‌ها در این دوره با سرعت بیشتری بهبود یافت. اما باید این نکته را در نظر گرفت که سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی به بسیاری از بهبودهای کیفی در استانداردهای زندگی اهمیت نمی‌دهد، مانند:

- نرخ مرگ‌ومیر نوزادان تازه متولد شده از ۲۲ درصد در سال ۱۸۹۰ به ۱ درصد در سال ۱۹۵۰، کاهش یافت.
- تلگراف و تلفن، امکان ایجاد ارتباط لحظه‌ای بین افراد را فراهم کردند. گرامافون موسیقی را برای مردم پخش می‌کرد و بدین صورت مردم در منازل خود از موسیقی لذت می‌بردند.
- شبکه آب و فاضلاب، زندگی روزمره را به ویژه برای زنان تسهیل می‌کرد.
- آمریکایی‌ها بعد از سال‌های ۱۸۷۰، به دلیل پیشرفت‌های کسب‌شده در زمینه ساخت یخچال، از رژیم غذایی متنوع‌تری برخوردار شدند.
- ترامواها و قطارها به گذرگاه‌های شهری راه یافتند و بدین شکل خیابان‌ها عاری از پس‌مانده‌های کود و ادرار اسب شدند.

شاخص‌های نزولی

تولید ناخالص داخلی واقعی به ازای هر نفر، معیار مفیدی برای تعیین استاندارد زندگی است. همچنین تولید ناخالص داخلی واقعی بر اساس ساعت، یک معیار معتبر به منظور سنجش بهره‌وری نیروی کار به شمار می‌رود. آمارها نشان می‌دهد که رشد تولید اقتصادی به ازای هر نفر، از اواسط دهه ۱۹۶۰ ضعیف بوده و کاهش بهره‌وری عامل اصلی آن است. رشد بهره‌وری از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۴ به طور متوسط تنها ۱.۴۴ درصد بوده است؛ یعنی تقریباً نیمی از متوسط نرخ رشد سالانه ۲.۷۲ درصدی بین سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۴. باید توجه داشت که رشد بهره‌وری نیروی کار نیز در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴، به ۱.۳ درصد کاهش یافته است.

افزایش امید به زندگی از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۵۰، نسبت به سال‌های پس از آن، بسیار سریعتر اتفاق افتاد.

کاهش نرخ رشد بهره‌وری، نشان‌دهنده محو شدن محرک‌های اقتصادی از زمان "انقلاب صنعتی دوم" است. موتورهای بخار، "نخستین انقلاب صنعتی" را بین سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۸۲۰ ایجاد کردند. در اواخر قرن نوزدهم، با معرفی موتور احتراق داخلی و تولید برق، دومین انقلاب صنعتی صورت گرفت که بیشترین تأثیر را بر بهره‌وری نیروی کار و تولید ناخالص داخلی سرانه در ۵۰ سال منتهی به دهه ۱۹۷۰ داشت.

"انقلاب صنعتی سوم"

سومین انقلاب صنعتی، با تمرکز بر ارتباطات و فناوری اطلاعات در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و همچنان ادامه دارد. این انقلاب در مقایسه با انقلاب صنعتی دوم که تقریباً همه ابعاد زندگی روزمره را تغییر داد، دامنه محدودتری از زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سرعت اخیر تغییرات در زمینه فناوری کند شده است؛ زیرا بسیاری از نوآوری‌های مبتنی بر رایانه و فناوری اطلاعات قبلاً اتفاق افتاده است. دگرگونی‌های انقلابی که با ظهور اینترنت به وجود آمد، تا حدود زیادی تا سال ۲۰۰۵ پایان یافته بود.

گوردون مور، یکی از بنیانگذاران شرکت اینتل، در سال ۱۹۶۵ پیش‌بینی کرد که قدرت تراشه‌های کامپیوتری هر دو سال یک‌بار، دو برابر می‌شود. "قانون مور" تا اواخر دهه ۱۹۹۰ صدق می‌کرد، چراکه قدرت پردازش تراشه‌ها هر ۱۸ ماه یک‌بار، دو برابر می‌شد. اما از سال ۲۰۰۶، رشد قدرت تراشه به قدری کند بوده است که پیش‌بینی مور دیگر درست نیست. از آنجاییکه در حال حاضر تراشه‌ها به اندازه کافی در رایانه‌های رومیزی و لپ‌تاپ‌ها عملکرد خوبی دارند، سرمایه‌گذاران دیگر به فکر افزایش قدرت تراشه‌ها نیستند.

استانداردهای زندگی

نوآوری و تغییرات تکنولوژیکی، بهره‌وری کلی عوامل را هدایت می‌کند؛ معیاری از پیشرفت که قبل از سال ۱۹۷۰ به سرعت و پس از آن به آرامی رشد کرد. برابری در میزان درآمد قبل از سال ۱۹۷۰ افزایش و پس از آن کاهش یافت. افزایش مداوم نابرابری که امروز گریبان اقتصاد را گرفته است، ریشه در چندین دهه گذشته دارد، به طوری که مانع بزرگی برای رشد استاندارد زندگی مردم در ایالات متحده محسوب می‌شود.

درآمدهای بالا، درآمدهای متوسط و درآمدهای پایین همگی تقریباً به میزان مشابه در بین سال‌های جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۷۵، رشد کردند. این "فشرده‌سازی بزرگ" ناشی از افزایش نمایندگی اتحادیه‌ها و فرصت‌های آموزشی است. نابرابری درآمد از دهه ۱۹۷۰ به دلیل «توخالی شدن» در ترکیب‌بندی اشتغال ایالات متحده افزایش یافته است. این امر نه به جهت کاهش تعداد کل مشاغل، بلکه در نتیجه ایجاد مشاغل بیشتر در رده‌های بالا و پایین جدول دستمزد نسبت به مشاغل متوسط شکل گرفته است.

موانع اصلی برای بهبود استانداردهای زندگی عبارتند از آموزش، جمعیت و همچنین بدهی. در حال حاضر تعداد (درصد) آمریکایی‌های تحصیل کرده کمتر شده است، این آمار بر اساس تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه و کسانی که دارای مدرک کاردانی یا دیپلم دبیرستان هستند، محاسبه می‌شود.

آزمون‌های بین‌المللی صورت گرفته در سال ۲۰۱۴ نشان داد که ایالات متحده در رتبه هفدهم مطالعه، بیستم در علوم و بیست‌هفتم در ریاضیات قرار داد. جمعیت زیاد متولدین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴، بازنشسته شده‌اند که این شرایط فشار نزولی بلندمدتی بر نرخ مشارکت نیروی کار؛ یعنی درصد بزرگسالان شاغل وارد می‌کند. بر اساس گزارش دفتر بودجه کنگره آمریکا، بدهی فدرال به عنوان نسبتی از تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۲۰ ثابت خواهد ماند و سپس با نرخ ثابت تا سال ۲۰۳۸ به ۱۰۰ درصد افزایش خواهد یافت.

سیاست‌های عمومی چندگانه می‌تواند رشد آهسته و موانع بهبود استانداردهای زندگی را برطرف کند. این سیاست‌ها شامل اصلاح در قوانین مهاجرتی، اصلاح مالیات و حمایت بیشتر از آموزش پیش‌دستانی می‌شود. چنین اقداماتی ممکن است تأثیر ناچیزی بر درآمد خالص هر فرد داشته باشد، اما در کنار یکدیگر، برابری بیشتر و دستیابی به تحصیلات را ارتقا می‌دهند.